

آیین‌ها و رسوم عزاداری در ورس

سیدمحمدرضا عالمی*

چکیده:

وَرَس که در سال‌های انقلاب مردم مناطق مرکزی و شیعیان افغانستان نقش مهم و مرکزی را برای ایشان ایفا کرد، دارای آیین‌ها و رسوم خاص خود در عزاداری‌ها می‌باشد که در سه گروه قابل تقسیم است: عزاداری محرم و صفر، مراسم‌های درگذشت و ختم افراد و جمعه‌خوانی‌ها.

این نوشتار برآن است تا با استفاده از مصاحبه با افراد محلی و همچنین روحانیونی که در مراسم‌های این مناطق ایفای نقش کرده و اطلاعات مفید و سودمندی در این باره دارند و همچنین اطلاعات میدانی، توصیفی درست در مورد هر کدام از این بخش‌ها به دست دهد.

واژه‌های کلیدی: آیین‌ها و رسوم، عزاداری، ورس

* دانش‌پژوه دکتری تاریخ تمدن اسلامی، جامعه المصطفیٰ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمية، مجتمع آموزش عالی امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ قم.

درآمد:

ولسوالی^۱ ورس در قسمت جنوب غربی ولایت باستانی «بامیان» قرار دارد. این ولسوالی قبل از انقلاب مردم مناطق مرکزی افغانستان در سال ۱۳۵۸ شمسی در مقابل حکومت کمونیستی و تشکیل شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان به مرکزیت ورس، در دفاتر مالی و مالیاتی به عنوان ۱۰۰۰ خانوار دفتری محسوب می‌شد و بر اساس آن مالیات گرفته می‌شد. از این مقدار خانوار ۴۰۰ خانوار دفتری مربوط به طوایف «ینغور» و ۶۰۰ خانوار دفتری مربوط به طوایف «بچه غلام» بود.^۲ ولسوالی ورس پس از تشکیل شورای اتفاق اسلامی افغانستان به رهبری آیت‌الله سیدعلی بهشتی رحمته‌الله علیه به عنوان مرکز مناطق مرکزی و محل استقرار شورای اتفاق مقرر گردید و به مدت چندین سال حکومت مناطق مرکزی تحت نظر این ولسوالی اداره می‌شد. برخی مقدار نفوس و جمعیت تحت حکومت شورای اتفاق را در دوران اوج، هفت میلیون نفر می‌دانند. در این دوران، شورای اتفاق به مرکزیت ورس بر ولایت بامیان، سمنگان و قسمت‌هایی از ولایات غزنی (شهرستان، جاغوری، ناهور) وردک، میدان، بلخ و غور را تحت سیطره خویش داشت. در این ولایات قومیت‌های مختلف افغانستان ساکن بوده و در شورای اتفاق نیز عضویت داشتند.

از ارتفاعات معروف و بلند ورس می‌توان «سرخ کوه»، «برادران»، «سرب» و «بی‌ماد» را نام برد، این مناطق جزو حوزه آبریز رود هیرمند بوده و نزولات جمع شده در این مناطق پس از مصارف محلی به رودهایی که به هیرمند متصل می‌شوند، می‌ریزند.

آیین‌ها و مراسم‌های عزاداری در ورس و مناطق اطراف آن به‌طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند: «عزاداری محرم و صفر، ختم و وفیات اشخاص و مراسمات مربوط به آن، جمعه‌خوانی‌ها.»

پایان

سال دوم - شماره ۲ - بهار و تابستان ۱۳۹۰

۱۵۶

^۱ - ولسوالی معادل فرمانداری است و زیرمجموعه‌ای به عنوان علاقه داری یا همان بخشداری نیز دارد.

^۲ - خانوار دفتری به مالکان مقدار خاصی از املاک اطلاق می‌شود که که دارای مقدار حاصل مشخصی است و میزان مالیات بر اساس آن اخذ می‌شود.

^۳ - برای اطلاعات بیشتر در مورد طوایف و بزرگان ایشان در دوران معاصر رک: پی جی میتلند، هزاره‌ها و هزارستان (گزارش کمیسیون سرحدی افغان و انگلیس)، ترجمه محمد اکرم گیزی، قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، چ ۱، ۱۳۷۶ ش.

الف) محرم

عزاداری مربوط به امام حسین علیه السلام در ماه‌های محرم و اربعین در ماه صفر می‌باشد. شروع عزاداری از روز اول محرم بوده و تا ۱۲ و یا ۱۳ محرم ادامه می‌یابد. مراسم‌های عزاداری محرم فقط روزانه برگزار شده و در شب برگزار نمی‌گردد؛ معمولاً از ساعت ۹-۱۰ صبح آغاز شده و تا پایان مراسم که گاهی تا عصر ادامه می‌یابد به طول می‌انجامد. به نظر می‌رسد که دلیل برگزاری فقط روزانه مراسم به آن علت است که روستاها در این مناطق به صورت پراکنده هستند و روستاهای متمرکز وجود ندارد. لذا رفت و برگشت به محل عزاداری در شب، دیر وقت و مشکل است و چندان به صلاح نیست.

محل برگزاری مراسم عزاداری در محرم و عزای امام حسین علیه السلام «منبر» می‌باشد؛ منابر به محل‌هایی اطلاق می‌شود که تقریباً حسینیه در ایران شبیه همان جایگاه را دارند. برخی از روستاها و محلات در مناطق مرکزی دارای مسجد نیستند اما در هر روستا و محله حتماً یک یا چند منبر، بسته به بزرگی روستا وجود دارد که مراسمات عزاداری و کلاس‌های آموزشی فصلی در آن‌جا برقرار می‌شود. این منبرها همان‌طور که از اسمش پیداست، نام خود را از منبرهایی که در این محل قرار دارد، گرفته و در واقع، اطلاق نام جزء بر کل است.

در مراسم عزاداری در منابر عموم مردم از زن و مرد شرکت می‌کنند و معمولاً محل حضور بانوان در منبر با چادر یا دیوار از محل مردان جداست.

در ابتدای مراسم، عزاداری «دبیاچه‌خوان‌ها» به خواندن اشعار خویش در عزای امام حسین علیه السلام می‌پردازند که بعضاً به ۴ نفر به بالا می‌رسد. این افراد به ترتیب سنی و مقدار تبحر خویش شروع به دبیاچه‌خوانی می‌کنند؛ دبیاچه‌خوان هرچه جوان‌تر و مبتدی‌تر باشد، زودتر به دبیاچه‌خوانی می‌پردازد و به‌همین ترتیب پیشکسوت‌ها در آخر به این کار اقدام می‌کنند؛ پس از دبیاچه‌خوانی دبیاچه‌خوان‌ها که با روضه‌خوانی و گریه مردم همراه است، عالم و یا روحانی مجلس به عنوان سخنران اصلی بالای منبر رفته و به سخنرانی و سپس روضه‌خوانی می‌پردازد، هنگامی که به اوج روضه‌خوانی می‌رسد، به خواندن اشعاری در وصف و زبان حال شهدای کربلا می‌پردازد که در بین مردم از جایگاه زیادی برخوردار است و طرفداران بسیاری دارد. این اشعار در روزهای بعد توسط کودکان در هنگام کار و بازی تکرار می‌شوند و بسیار بر مردم تاثیر گذار هستند. روحانی سعی فراوانی می‌کند تا این اشعار را با صدای زیبا و حزن‌انگیزی ادا کنند. معمولاً عوام، قدرت و تسلط روحانی را به خواندن اشعار زیبا و دلنشین توسط او می‌دانند و آخوند خوب، آخوندی است که خوب روضه می‌خواند و اشعار را به خوبی

حفظ و ادا می‌کند؛ آخوندی که قدرت روضه‌خوانی ندارد. بی‌محابا در بین عوام به خری تشبیه می‌شود که پالان ندارد. اینان از ادای این ضرب‌المثل در نزد خود روحانی نیز هیچ ابایی ندارند و به راحتی آن را به زبان می‌آوردند که این نشان از ذائقه خاص مردم در روضه‌خوانی دارد.

مراسم عزاداری در هفت روز اول به‌همین منوال ادامه دارد و از روز هفتم به بعد، پس از روضه‌خوانی آخوند، مراسم سینه‌زنی و زنجیرزنی نیز آغاز می‌شود؛ «برسینه» خوانده شده شامل اشعاری با ضرب‌آهنگ خاص محلی می‌باشد و جوانان و مردان شروع به سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌کنند و کهنسالان در اطرافشان حلقه زده و گریه می‌کنند که صحنه بسیار حزن‌انگیز و جالبی را تداعی می‌کند؛ این صحنه در خاطر بسیاری از بینندگان برای زمان طولانی نقش خواهد بست. لازم به ذکر است که در این مناطق خبری از «قمه» و یا «زنجیر تیغ دار» و امثال آن نیست و نبود. همچنین از طبل، سنج، شیپور و ... نیز خبری نیست و این ادوات به شدت توسط علما و روحانیون محلی تقبیح و طرد می‌شود و حتی گاهی از این اعمال که در ایران رواج دارد نام برده و مثال زده می‌شود و در پی آن، حرام خوانده می‌شود.

در ایام عزاداری دو جا و دو نوع غذا طبخ می‌گردد؛ یک نوع غذا در ابتدای همان روز در مطبخ منبر تهیه می‌شود و غذا پس از انجام مراسم بین خانوارهای شرکت‌کننده در مراسم تقسیم و به خانه‌ها برده می‌شود. غذایی دیگر نیز در منزل کسی که آن روز محرم نوبت نذر اوست، تهیه می‌گردد و در خانه وی سفره غذا پهن شده و عزاداران مرد پس از پایان مراسم به خانه او رفته و به صرف غذا می‌پردازند. زنان در این صرف غذا شرکت ندارند و فقط مردان در خانه صاحب نذر حضور یافته و به صرف غذا می‌پردازند. خانم‌ها و کودکان از همان غذایی که پس از مراسم در منبر توزیع می‌شود و به خانه می‌برند، استفاده می‌کنند.

مراسم اربعین حسینی نیز در ماه صفر، طی ۱ تا ۳، روز بسته به مناطق مختلف و فصل انجام می‌گردد و همانند مراسم محرم، شامل دیباچه‌خوانی و سخنرانی و روضه‌خوانی است که گاهی با سینه‌زنی نیز همراه می‌شود و دقیقاً مانند عزاداری روزهای محرم است و تفاوتی در شکل آن وجود ندارد.

در آخر ماه صفر و وفات رسول اعظم صلی الله علیه و آله نیز در بسیاری از مناطق مراسم عزاداری برگزار می‌شود و مراسم عزاداری در یک روز و با حضور روحانی در مسجد و یا در صورت عدم وجود مسجد در منبر برگزار شده و نحوه برگزاری مراسم مانند یک روز از عزاداری محرم است و با آن تفاوتی نمی‌کند.

در مورد شهادت دیگر ائمه علیهم السلام نیز مراسم‌هایی برگزار می‌شود که بسته به بانی و کسی است که متکفل برگزاری مراسم است. این گونه مراسمات بیشتر زمانی برگزار می‌شود که یک روحانی برجسته و سطح بالا در دسترس بوده و مردم در پی بهانه‌ای برای استفاده از ایشان هستند. در این گونه از مراسم‌ها معمولاً به برگزاری سخنرانی و روضه‌خوانی و در پایان، صرف غذای نذری بسنده می‌شود و در آن «بر سینه» خوانده نشده و به سینه‌زنی و روضه‌خوانی نمی‌پردازند.

ب) مراسم ختم در مرگ اشخاص

بعد از فوت متوفی که اطرافیان مشغول غسل و تکفین می‌شوند، همزمان عده‌ای اقدام به کشتن قربانی کرده که معمولاً یک گاو و یا چند گوسفند است. گوشت قربانی را پس از آب‌پز کردن سرخ می‌کنند و در کنار آن مقداری نان تهیه می‌کنند و منتظر شروع تشییع جنازه به سوی قبرستان می‌شوند. تشییع‌کنندگان که در منزل متوفی جمع شده‌اند، آماده تشییع شده و متوفی را برای تدفین آماده کرده‌اند، میت را برداشته و به طرف قبرستان راهی می‌شوند؛ هنگام تشییع متوفی، فقط مردان حضور دارند و زنان در مراسم تشییع شرکت نمی‌کنند و در منزل متوفی باقی می‌مانند و معمولاً برای مراسم شب در منزل متوفی به خانواده متوفی مدد می‌رسانند.

هنگام حرکت به سوی قبرستان که حمل میت همراه با اذکاری همراه است، غذای تهیه شده نیز به همراه ایشان حمل می‌گردد. پس از مراسم تدفین که توسط آخوند و روحانی و یا شخص مطلع به امور تدفین برگزار می‌شود، غذای آماده شده در همان جا و در کنار قبرستان به تشییع‌کنندگان داده می‌شود. مراسم ختم شب اول بسته به فصل سرما و گرما ممکن است در قبرستان و یا منزل متوفی برگزار گردد. در فصل‌های گرم‌تر مراسم در قبرستان برقرار شده و معمولاً بلافاصله پس از تدفین، چادر و یا سایبانی بر سر قبر میت برپا می‌شود و مردان در آن به قرآن‌خوانی پرداخته و خواندن نماز، از جمله نماز وحشت پرداخته و تا اذان صبح روز بعد به این کار ادامه می‌دهند و پس از اقامه نماز صبح، همگی به منازلشان مراجعت می‌کنند؛ در فصل‌های سرد سال که هوای آزاد قبرستان قابل تحمل نباشد، این مراسم قرآن‌خوانی در شب اول در منزل متوفی برگزار می‌شود. تا روز چهارم متوفی، هر شب جمعه در منزل متوفی مراسم قرآن‌خوانی برقرار است البته گاهی اقوام نزدیک متوفی متکفل قرآن‌خوانی در منزل خویش شده و در این صورت خانواده متوفی نیز به منزل ایشان رفته و در آن شرکت می‌کنند.

تشریفات و پذیرایی انجام شده در این مراسم‌ها ارتباط نزدیکی با اوضاع مالی متوفی و خانواده وی دارد و بسته به آن مراسم‌ها از حضور چند نفر انگشت شمار تا تعداد زیادی تغییر می‌کند؛ هدف اصلی برگزاری مراسم، انجام حداقل یک ختم قرآن در هر مراسم است؛ چنانچه افراد کم باشند یک نفر ممکن است در مراسم ختم قرآن چند جزء قرآن را بخواند. نحوه انجام مراسم ختم برای متوفی زن یا مرد، فرق چندانی ندارد و مانند هم است.

پس از فرارسیدن روز چهلم متوفی، مراسم ختمی برای وی در منبر برگزار می‌شود که با کشتن قربانی همراه است و در آن قرآن خوانی و در پایان، سخنرانی و روضه‌خوانی می‌شود. برپا کردن سالگرد برای متوفی رسم نیست و عمومیت ندارد. البته در مواردی که متوفی شخص متنفذ و دارای پایگاه اجتماعی و ... باشد ممکن است برای یاد بود وی سالگرد برگزار شود.

ج) جمعه خوانی

در ماه‌های سرد سال و زمستان‌ها که مناطق مرکزی پوشیده از برف است و کار کم و اوقات فراغت زیاد است، منبر جنبه آموزشی پیدا می‌کند و معمولاً بزرگان و مردم محل و روستا از ملایی (آخوند) برای «طالب داری» در منبر دعوت می‌کنند. فرزندان و معمولاً پسران برای یادگیری قرآن و ادبیات و شعر خوانی و امثال آن در منبر جمع شده و ملا به آموزش ایشان می‌پردازد. در هنگام حضور ایشان طی فصل سرما در منبرها مراسم جمعه خوانی در منبر برقرار می‌شود. در مراسم جمعه‌خوانی، زن و مرد در شرکت می‌کنند و طالب‌ها به ترتیب به خواندن دیباچه می‌پردازند که شامل اشعاری در وصف ائمه و همچنین عزای امام حسین علیه السلام است. این مراسم علاوه بر عزاداری برای امام حسین علیه السلام و ... جنبه آموزشی برای طالب‌ها و همچنین مردم دارد و هم طالب‌ها به تمرین روضه خوانی می‌پردازند و هم انتقال معارف به مردم صورت می‌پذیرد. البته در حاشیه این مراسم به شعر خوانی و همچنین مسابقه بین طالب‌ها در حفظ اشعار و خواندن با صدای خوش برقرار می‌شود و مردم از این قضیه استقبال فراوانی می‌کنند؛ گاهی افراد حتی در منزل نیز فرزندان‌شان را بر سکویی می‌نشانند و از آن‌ها می‌خواهند که به خواندن اشعار از همه گونه، اعم از مرثیه، عزل و ... بپردازند و به شدت آنان را مورد تشویق قرار می‌دهند. لازم به ذکر است که قریحه شعری مردم در این مراسم‌ها به شدت شکوفا شده و بداهه‌های بسیاری در آن‌ها خوانده می‌شود.